# نقش نماز در افزایش سرمایه و فرهنگ اجتماعی با تاکید برهویت سازی مسجد در ایجاد وگسترش تعالی فرهنگ اسلامی

## بهرام دردی گری

## دانشجوی دکتری تاریخ علم دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

مساجد از جمله نهادهای اجتماعی و اماکن مقدس اسلامی هستند که بحث نقش و جایگاه و تاثیرات آنها در تمدن اسلامی بسیار حائز اهمیت است، به گونه ای که از اصلی ترین و نخستین ابزارهای تمدن ساز در دوره اسلامی بی شک این نهاد مقدس است ونقش آفرینی مساجد در تمامی عرصه هاو شئون جامعه اسلامی، سبب توسعه و گسترش فرهنگ وتمدن اسلامی بوده است. در این راستا محقق به بررسی ابعاد مختلف اماکن مقدس و کارکرد آنها بالاخص مسجد پرداخته و تلاش بر آن بوده که به ارائه مولفه های نقش تمدنی مسجد و هویت سازی مسجد در تمدن اسلامی بپردازد. این پژوهش با روش کیفی انجام شده است و شیوه جمع آوری اطلاعات و داده های آن از نوع اسنادی بوده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد که نقش مسجد به عنوان کانون اصلی مکان مقدس در اسلام و مهم ترین کانون اجتماع مسلمانان، علاوه برکارکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، تبلیغی،و ... نقش نمادینی در تمدن اسلامی در امر هویت سازی و انسان سازی و جنبه های مختلف هویت سازی در جامعه اسلامی داشته است.

واژگان کلیدی : تمدن اسلامی، مکان مقدس، هویت، مسجد، کارکرد.

مقدمه

مسجد كه نخستين نمادونهاد عينى تمدن اسلامى محسوب مى شود از همان بدو تاسيس علاوه بر اين كه پايگاه دينى و پرستشگاه مسلمين به شمار مى رفت، نخستين كانون فعاليتهاى سياسى، اجتماعى، علمى و فرهنگى مسلمين نيز بود و پايه هاى اساسى حكومت اسلامى در زمان پيامبر اكرم در اين مكان استوار شد چرا كه مقر حاكميت پيامبر در آن قرار داشت و بعدها نيز اصول و مبانى دين اسلام از همين نهاد مقدس به مردم عرضه مى شد.بدين ترتيب مسجد كه خود يك نهاد تمدن اسلامى بود به زودى، به عنصر مادى و عينى در كنار عنصر فرهنگى اسلام تبديل شد و در تمدن سازى دخيل گشت و به تدريج با توسعه گسترده تمدن اسلامى جاى خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامى باز كرد به طورى كه هر كجا و در هر شهر و قريه اى كه مسجدى وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فكرى و فرهنگى و البته گاه سياسى اسلام شمرده مى شد.مساجد با كاركردهاى متعددى كه داشت، آن چنان در درون جامعه اسلامى نهادينه شد که مومنان آن را بر خانه هاى خويش ‍ ترجيح مى دادند، در واقع ويژگى اصلى مسجد اين بود كه هم چون اسلام با همه شوون زندگى مردم سر و كار داشت و البته به همه آنها جهت الهى و دينى مى داد و اين با روح اسلامى نيز سازگار بود چرا كه اسلام جوهره همه فعاليتهاى مسلمين در جامعه اسلامى را عبوديت مى دانست. نماز ميدان فراخ و عرصه ى پهناورى است كه روح و انديشه انسان در آن وسعت مى يابد و به گستردگى آن فرصت پرواز پيدا مى كند. نماز به عنوان تجلى نهاد عبادى دين و نمود بندگى انسان مسلمان، در عصرهاى مختلف ميان نسلهاى مسلمانان با قوميت ها، فرهنگ ها و جغرافياى متفاوت، پديد آور عالى ترين و فاخرترين نمونه هاى فرهنگى، هنرى و معمارى بوده است كه خود بستر ظهور ماندگارترين حركتهاى اصيل اسلامى، انسانى در حوزه هاى سياست، اجتماع، فرهنگ و اقتصاد شده است. از نخستین سده‌ی ظهور دین مبین اسلام،”مساجد» به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی یافتند‌. در زمان حضرت محمد(ص) و ائمه‌اطهار، مسجد کانون بسط و توسعه‌ی فرهنگ غنی اسلام بوده و بسیاری از فعالیت های فرهنگی مسلمانان در مسجد انجام می‌گرفت. به طور کلی پایگاه فرهنگی جهان اسلام از مساجد شکل گرفته و هسته‌ی اولیه فعالیت های فرهنگی دین مبین اسلام در مساجد تشکیل شده است؛ لذا می‌توان گفت: اصلی‌ترین پایگاه‌های فعالیت های فرهنگی چه در دوران پیامبر عظیم‌الشان(ص) و چه در دوران ائمه اطهار: مساجد بوده‌اند. نقش مساجد بر هویت و فرهنگ اسلامی تا بدان‌ جاست که با دور شدن از مساجد، نتیجه‌ای جز تخریب ظاهری و باطنی و همین‌طور سقوط مبانی فرهنگ در وهله‌ی نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهله‌ی دوم در پی نخواهد داشت. از طرفی رابطه متقابل میان ارزش‌ها و باور‌های سنتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی نشان می‌دهد که مساجد به عنوان کانون‌های ارزشی و فرهنگی دین مبین اسلام نقش تاثیرگذاری در شکل‌گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته‌اند که این موضوع نشان‌دهنده‌ی نقش مؤثر این نهاد اسلامی بر فرهنگ و هویت مردمان شهرهای اسلامی می‌باشد. بنابراین مسجد به عنوان مرکز فرهنگ‌سازی ‌اسلامی و نهاد تاثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به صورت محسوس و نا‌محسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به‌سزایی ایفا می‌نماید. بدین شکل مشخص می‌شود که تبیین و تعیین جایگاه واقعی مساجد در جوامع اسلامی موجب افزایش کارایی آن در تقویت و تثبیت زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی خواهد شد‌. و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا[[1]](#footnote-1) “و مساجد مخصوص و از آن خداست پس نبايد با خدا احدى را غير او پرستش كنيد».در اين آيه شريفه خداوند خطرنشان مى سازد كه مسجد متعلق به خداست و مفهوم اين آيه با رجوع به رواياتى كه در ادامه اين نوشتار مى آيد و در آن تصريح مى كند كه مساجد خانه هاى خدا در روى زمين است بهتر فهميده مى شود.بدين ترتيب صاحب اصلى مساجد خداوند است كه در آن جا ميزبان بندگان مومنى است كه براى عبادت او به مسجد مى آيند و طبيعى است كه چنين خانه هايى بايد بزرگترين پايگاه توحيد و يگانه پرستى در جامعه اسلامى باشند. پايگاه هايى كه در آن هر روز تنيدن نوبت به يگانگى خداوند و اصل توحيد به عنوان مبنايى ترين ركن دين اسلام شهادت داده مى شود تا تذكارى باشد دائمى براى مومنين و بدين وسيله جامعه اسلامى همواره از پليدى شرك مصون بماند. و اقيموا وجوهكم عند كل مسجد و ادعوه مخلصين له الدين [[2]](#footnote-2) “و در هر مسجد و در هر عبادت روى به حضرت او آريد و او را از سر اخلاص بخوانيد».بدون تردید می‌توان نتیجه گرفت که امروز کلید حل مشکلات بسیار امت اسلامی در مسجد یافت می‌شود؛ اقدام و سنت حضرت رسول(ص) در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی و نمادین و اتفاقی نیست، بلکه نقطه آغاز را به ‌صورت حساب شده به ما نشان داده است و بدون شک هم اکنون نیز می‌تواند و می‌بایست نقطه آغاز و کوتاه‌ترین و بهترین مسیر اصلاح امت مسلمان قلمداد شود. پس باید به سنت پیامبر ‌اکرم(ص) بازگشت و مسجد را احیاء نمود؛ زیرا مشکل اسلام نداشتن محل عبادت نیست ـ که بر اساس فرموده حضرت ‌رسول(ص)»جُعِلَتْ لِیَ الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُورا» همه زمین براى امت من مسجد و پاک‏ قرار داده شده‏ است ـ بلکه مشکل آنان مرکز هدایت و الهام امور گوناگون است که سرچشمه آن در مسجد است.

بیان مساله

در مورد جایگاه واهمیت مسجد در کلام نورانی خداوند در قرآن و سخنان پیامبر گرامی اسلام به مواردی متعددی برمی خوریم.با توجه به ارائه مواردی از دیدگاه قرآن وپیشوایان دین در زمینه ضرورت واهمیت مسجد و هم چنین بیان جایگاه ومنزلت مسجد ورسالت وجودی آن در کلیه مراتب زندگی اعم از فردی،خانواده وجامعه در مقدمه تحقیق، می توان گفت مسجد به عنوان معبد مشارکت عمومی واز مهم ترین اماکن مقدس اسلامی مطرح است به طوریکه بر اهمیت و جایگاه مسجد در امر هویت سازی جامعه اسلامی مطرح است. آن چه باعث شد محقق در این پژوهش به این موضوع مهم بپردازد یورش ها ووحشی گری های سلفی های ونوسلفی های عربستان وعراق واهانت متعدد آنان بر اماکن مقدس است که داغ بزرگی بر جهان اسلام گزارده است و بر تمام مقدسات لاتغیر مذاهب اسلامی اعم از تشیع وتسنن دست یازیده اند. از جمله این اماکن مقدس، مساجد است که هرگاه در یورش های خود به این اماکن می رسند حرمت مساجد واماکن را نگه نمی دارند.جماعت تکفیری، وقتی با همه وحشیگری ها و انواع رفتارهای قرون وسطایی و تخریب های گسترده، موفق به کسب اهدافشان در سوریه نشدند، حال، چشم طمع به سرزمین های عراق دوخته اند. تکفیری ها به جهت روحیات به شدت افراطی و نگاه غیرانسانی به اکثر مسایل، تنها موفق شده اند جمعی از جوانان ماجراجو را برای مدتی کوتاه همراه خود کنند و همینک به خوبی سرانجام آنان قابل پیش بینی است.گروهی از وهابی ها ویا سلفی ها که معروف به سلفی های تکفیری معروفند که اقلیت بسیار کوچکی را در بین گروه بزرگ سلفی تشکیل می دهند:از جمله اعتقادات سلفی های تکفیری: تکفیر: آنها به خودشان اجازه می دهند که علیه مسلمانان دیگر نیز در صورتی که اعمال آنها مورد قبول نباشد به عنوان کافر و مرتد اعلام جنگ دهند.چه رسد به غیر مسلمانان. از جمله اعتقاد دیگر آنها رداقتدار سیاسی، رد قواعد جهاد و نیز آنها برای کشتن دشمنان خود تروریسم را مجاز می دانند.[[3]](#footnote-3)

روش شناسی

این پژوهش به لحاظ روش از نوع کیفی محسوب می شود. تحقیق کیفی عبارت است از مجموعه فعالیت هایی (چون مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت های پژوهشی) است، که هرکدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول،درباره موضوع مورد تحقیق یاری می دهند. بدین ترتیب از اطلاعات جمع آوری شده، توصیف های تحلیلی، ادراکی و طبقه بندی شده حاصل می شود.[[4]](#footnote-4)

بررسى اصطلاحى واژه تمدن اسلامى

با توجه به وجود تعاريف متعدد از فرهنگ و تمدن بايد يك تعريف نسبتا كلى كه تا حدودى جامع همه تعاريف ديگر باشد را مبنا قرار دهيم تا بر اساس آن بتوانيم تمدن اسلامى را نيز مورد بررسى قرار دهيم، آن تعريف كلى عبارت است از اين كه تمدن وجه عملى و فيزيكى حيات بشرى مى باشد، در برابر فرهنگ كه وجه نظرى حيات بشرى است. در بيان معناى اصطلاحى تمدن اسلامى نيز با تكيه بر تعريف فوق براى تمدن بايد گفت كه تمدن اسلامى عبارت از آن دسته نمودهاى عينى و فيزيكى است كه در تمدن بشرى با پشتوانه فرهنگ اسلامى به وجود آمده و يا بعضا تحولات گسترده اى كه در برخى نهادها و نمودهاى عينى جامعه بشرى با اين پشتوانه پديد آمده است. اين يك معنا اصطلاحى كلى براى تمدن اسلامى است. لذا براى فهم دقيق تر آن اندكى اين معنا را شرح مى دهيم. اسلام به عنوان دين خاتم در منطقه اى ظهور مى كند كه در آن سابقه رشد نهادهاى فرهنگى و تمدنى اگر ساقط نباشد، بسيار محدود است. اصولا اعراب تمايل زيادى به تمدن گريزى يا تمدن ستيزى داشتند و اين البته به علت حريت فردى بود كه در گمان عرب بسيار قوى بود و تحت هيچ شرايطى حاضر نبودند اين آزادى فردى را از دست بدهند كه البته اين مورد بحث ما نيست. روايات و قرائن تاريخى كه از اوضاع عرب دوره جاهليت در دست است به ويژه از نواحى مركزى عربستان حالى از يك نوع عقب افتادگى بسيار شديد است كه انسان را شگفت زده مى كند.بايد توجه داشته باشيم كه اين در زمانى است كه در نزديكى جزيرة العرب تمدنهايى مثل ايران و مصر و شامات و در فاصله اى دورتر تمدن هاى هند و يونان بعضا در اوج شكوه و تلالو خود به سر مى برند. «در يك چنين بسترى پيامبر اسلام (ص) ظهور مى كند و رسالت را با خواندن آغاز مى كند و درست از همان نخستين لحظات بعثت تاسيس نهادهاى فرهنگى و تمدنى در دستور كار رسالت پيامبر قرار مى گيرد و پس از آن نيز آن حضرت با پشتوانه فرهنگ آسمانى اسلام به جد شروع به تاسيس نهادهاى مختلف فرهنگى، سياسى، نظامى، اقتصادى و اجتماعى مى كند كه همين نهادها پايه هاى اوليه تاسيس تمدن اسلامى را تشكيل مى دهد.شايد بهترين مثال از اين نهادها مسجد باشد كه با آن چه در تبيين مفهوم تمدن اسلامى گفته شد مناسبت كامل دارد. مسجد نهادى است كه از بطن اسلام جوشيده است و كاركردهاى متعددى نيز براى آن در نظر گرفته مى شود. و البته مشابه مسجد موارد ديگرى چون مفاهيم زكات و جهاد و امر به معروف و نهى از منكر را نيز مى توان نام برد كه همگى يا به وسيله اسلام تاسيس شده اند يا توسط اسلام اصلاح و متحول شده اند و با تكيه بر آنها مى توان مفهوم تمدن اسلامى را مورد بررسى قرار داد».[[5]](#footnote-5)

واژه مقدس

«کلمه”مقدس» در زبان عربی از ریشه”مقدس» و”قداسه» مشتق شده و به معنای پاکی و منزه بودن از عیب و نقص و ناپاکی و ماده است و به معنای برکت و مبارک نیز آمده است». [[6]](#footnote-6) به تعبیری می‌توان گفت در زبان عربی نیز قدسی بودن به معنای مینوی، آسمانی و غیرمادی بودن در مقابل دنیوی و مادی بودن است. اصطلاح مقدس و قدسی معمولاً در تعریف دین به معنای جوهر و درون مایه اصلی دین آورده می‌شود. کلمه”Holy» » به معنای قدسی و مقدس، از نظر ریشه شناسی و زبان شناسی به معنای کامل بودن، کمال، درستی و خوشی است. بدین سان، هر بست، حرم، کلیسا، مسجد و یا کنیسه، یک تجسم عینی و مادی از جدایی امر دینی (قدسی) از امور دیگر است. قدسی یا مقدس، کنایه از جهان خارج یا زمانه حاضر و رسوم و تعلقات آن است. این جدا سازی عمیق و سراسری به صورت متعدد در فرهنگ اسلامی نهادینه شده است. چنان که شعائر مقدس، روزهای مقدس، حریم و حرم‌های مقدس، شیوه خاص زندگی و پوشاک دینی و... را در این فرهنگ می‌بینیم. [[7]](#footnote-7)

مکان مقدس

ادیان برای این نازل شده یا به وجود آمده‌اند که انسان را در راه تقرب به خدا یاری رسانند و به همین سبب، در همه آن‌ها، نمادها، نشانه‌ها، شعایر، کتب، زمان‌ها و اماکن مقدسی وجود دارد که از طریق آن‌ها، انسان می‌تواند به خدا (امر قدسی) نزدیک شود و با او در ارتباط و مواجهه باشد. به عبارت دیگر، از طریق این مقدسات است که انسان می‌تواند به درگاه خدا راه یابد و حضور او و ارتباط با او را صمیمانه حس و تجربه کند. در این میان، اماکن مقدس و متبرک همچون کنیسه‌ها، کلیساها، مساجد و حرم‌های مطهر (همچون مزار امام‌زادگان و ...) نقش عمده و مؤثری دارند و بیش از هر امر دیگری، مورد توجه و اقبال پیروان و مؤمنان به ادیان قرار گرفته‌اند. اماکن مقدس، دروازه ورود به ملکوت الهی و عالم بالا هستند و انسان های تشنه معنویت، گمشده خود را در این اماکن می‌جویند. این اماکن، تجلی گاه‌ امر قدسی (خدا) و آیینه ملکوتند و انسان می‌تواند در آن‌ها حضور امر قدسی را حس کند و مواجهه و ارتباط با او را تجربه کند.اماکن مقدس و حرم‌های مطهر، نمونه و مثال گنبد آسمان، افلاک و ملکوت خداست، ملکوتی کوچک شده و قداستی در دسترس و قطعه ای از آسمان در قلب زمین. بر این اساس، هنر اسلامی به خصوص معماری اسلامی، در اماکن متبرکه و حرم‌های مطهر، مجال نمود و بروز یافته است که خود بیانگر و القا کننده نوعی تفکر، فرهنگ و معنویت خاص است.علاوه بر این، وجود اماکن مقدس در جوامع مذهبی نقش مهمی در حیات معنوی و دینی مردم دارد و اعتقاد و باور به این مقدسات در جوهره دین و روح و جان مردم رسوخ کرده است. به همین جهت وجود اماکن مقدس و حضور مردم در این اماکن باعث تقویت احساس دینی، تقوا و اخلاق در جامعه می‌شود. در واقع، اماکن مقدس الهام بخش و منتقل کننده حس ایمان و معنویت به مردم و جامعه‌اند. آیین‌ها و مناسکی نیز که در این اماکن برپا می‌شود، میراث معنوی، عرفانی و فرهنگی آن جامعه است که باید در راه احیا و حفظ این میراث معنوی سعی کافی صورت گیرد.نکته مهم قابل تذکر آن است که در فرهنگ اسلامی اماکن مقدس و متبرکه محل پرستشند اما مورد پرستش نیستند. فرهنگ زیارت و مراسم و دعاهای مربوط به آن باید مورد بررسی و تحقیق علمی قرار گیرد و در راه تقویت و غنای بیش تر این فرهنگ و این رسوم، فعالیت و دقت بیش تری صورت گیرد تا بتواند در ایجاد و فهم تجربة معنوی و قدسی حضور در اماکن متبرکه مؤثر واقع شود.مقدس و یا امر قدسی، امری فرا عقلانی نه ضد عقلانی است و انسان نمی‌تواند از آن تعریفی مفهومی، عقلی و منطقی ارائه دهد. او فقط می‌تواند مقدس و حضور و رابطه با او را حس و تجربه کند. برای یک انسان مذهبی”امر مقدس» تجلیات، نمودها و مظاهری دارد. اماکن مقدس و محترم مانند معابد، کلیساها، مساجد، حرم‌ها، امامزاده‌ها، قبور و مزار‌ عرفا و قدیسان و... از جمله موارد و اماکنی است که”امر مقدس» در آن تجلی یافته است و به نحو خاص، حضور دارد و انسان مؤمن می‌تواند آن را در این اماکن احساس کند و عظمت آن را به یاد آورد و از حضور آن تأثیر ‌پذیرد. از نظر انسان مذهبی مکان ها یک دست و یکپارچه و همانند نیستند. از لحاظ کیفی، پاره ای از مکان ها با مکان های دیگر متفاوت است. [[8]](#footnote-8). به عنوان مثال در تورات آمده است که خداوند به موسی فرمود:”به این جا نزدیک نشو، کفش‌هایت را از پا بیرون کن» [[9]](#footnote-9) شبیه همین مطلب در قرآن نیز آمده است:”فَلَمَّا أَتاها نُودِیَ یا مُوسى‏ إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوادِ الْمُقَدَّسِ طُوىً (طه، 12-11). پس با توجه به این شواهد می‌توان ادعا کرد که مکان مقدس که با بقیه اماکن متفاوت است، در همه فرهنگ‌ها وجود دارد.یک مکان مقدس در مرحله نخست، مکانی تعریف شده و مشخص است که از فضاهای دیگر قابل تشخیص است. بدین ترتیب مراسمی که مردم در آن شرکت می‌کنند یا بدان توجه می‌نمایند مقدس تلقی می‌شود. مکان مقدس به دلیل کارکرد دینی مشخص و نه به خاطر در بر داشتن کیفیات فیزیکی و یا زیبایی شناختی ویژه، مقدس شمرده می‌شود. بسیاری از مکان های مقدس حتی مکان هایی که در حیات دینی یک جامعه نقش محوری دارند، برای کسی که خارج از آن سنت است، حامل هیچ گونه احساس مذهبی نیست.[[10]](#footnote-10)البته باید خاطر نشان کرد که بسیاری از اماکن مذهبی دنیا همچون بسیاری از کلیساهای معروف، مساجد اسلامی، حرم‌های مطهر (همچون حرم امام رضا و ...) و بسیاری دیگر از اماکن معروف مذهبی دنیا، به خاطر معماری زیبا، خاص و منحصر به فردشان نه تنها برای مؤمنان آن دین بلکه برای هر بیننده صاحب دل و بصیرتی احساس برانگیز و روح بخش است. معمولاً تمایز و تعیین فضای مقدس، اختیاری و دلخواهانه نیست. به عنوان مثال یک محل بدان دلیل شأن قدسی پیدا می‌کند که وقایع مهم مذهبی در آن رخ داده است؛ مثلاً یکی از دلایل عمده تقدس بیت‌المقدس از نظر مسلمانان، معراج پیامبر است که بخشی از آن در بیت‌المقدس واقع شده است.برخی از مکان ها با بقایای موجودات مقدس تقدس پیدا می‌کنند. مقبره این انسان مقدس می‌تواند به یک مکان، تقدس بخشد. به عنوان مثال در مسیحیت اولیه، مقابر شهدا به مکان مقدس تبدیل شده است. محل دفن پیامبر اسلام (ص) و محل شهادت و یا مدفن بسیاری از ائمه شیعه نیز برای مسلمانان و یا شیعیان به مکان مقدسی تبدیل شده است و مؤمنان با حضور در این اماکن، با امر مطلق یا همان امر قدسی (خدا) ارتباط برقرار می‌کنند و از معنویت آن مکان مقدس بهره‌مندمی‌شوند.اماکن و فضاهای مقدس سه نقش بسیار مهم دارند. این نقش‌ها به طور گسترده ای در نظام‌های مذهبی مورد تصدیق واقع می‌شوند و برای رسیدن به اهداف مورد نظر اساسی و بنیادی‌اند:اول آنکه حضور در مکان مقدس، ابراز ارتباط با خدا و امر قدسی) و سخن گفتن در باب آن‌هاست. دوم آنکه مکان مقدس، مکان بروز قدرت الهی است و سوم آن که این فضا به صورت یک شمایل محسوس و مشهود از این جهان مادی عمل می‌کند و به همین لحاظ صورتی را بر آن می‌افکند و سازمانی را برای ساکنانش و زائرانش به ارمغان می‌آورد. در زیارت اماکن متبرک همچون حرم مطهر امام رضا در مشهد و حرم مطهر امام حسین در کربلا، قصد قربت و نزدیک شدن به خدا در مد نظر است و ضریح و شخص امام مورد پرستش نیست. هم چنین امام، عنصر الوهیت تلقی نمی‌شود بلکه شخصی خودساخته و در نهایت درجه ایمان، یقین و تقوا تلقی می‌شود که توانسته است و می‌تواند پیروان و زائران خود را به سوی حضرت حق رهنمون شود. شیعیان با حضور در این اماکن و حرم‌های مطهر به عبادت و نیایش خدا می‌پردازند و از فضا و جوّ معنوی و روحانی حاکم بر این اماکن مقدس مستفیض می‌شوند و از انفاس روحانی امام برای هدایت در مسیر تقرب الهی مدد می‌جویند. استعارة مکانی دیگری که ارتباط نزدیکی با مکان های مقدس دارد، جهت یابی است. مکان های مقدس توجه خویش را به سوی یک ناحیه که از نظر نمادین اهمیت دارد معطوف می‌کنند و این کار را با گردش به سوی آن ناحیه یا گردش اجزای درونی به سوی آن انجام می‌دهند. کلیساهای شرقی اولیه و کلیساهای غربی بعدی، رو به طلوع خورشید ساخته می‌شدند. طلوع خورشید برای مسیحیان، نماد مسیح رستاخیز یافته است. کنیسه های یهودیان معمولاً رو به جهت بیت‌المقدس ساخته می‌شدند. مساجد و بسیاری از اماکن مقدس اسلامی رو به سمت قبله (کعبه) ساخته می‌شوند. این مکان ها از آن جهت شبیه یکدیگر نیستند که نظام‌های مشابهی جهت یابی را بیان می‌کنند بلکه از آن جهت شبیهند که یک جهت را معنی دار می‌کنند. [[11]](#footnote-11)اکثر مرقدهای مقدس در گذشته روباز یا با روزنه ای در سقف بوده‌اند که نماد انقطاع از سطحی به سطح دیگر و ارتباط با ملکوت است. [[12]](#footnote-12)جالب توجه است که در عرف فرهنگ اسلامی از شهرهای مذهبی چون مکه، مدینه، کربلا، مشهد، قم و... به خاطر وجود اماکن مقدس، با عنوان مقدس یاد می‌شود؛ مثلاً گفته می‌شود شهر مقدس قم، کربلای معلی، مدینه منوره و مکه مکرمه.اماکن مقدس در فرهنگ بینش دینی همچون عالمی صغیر در دل و مرکز عالم کبیر تلقی می‌شوند و به نوعی، مرکز قلب و تصویری از عالم به شمار آمده‌اند. این مکان ها هر چند گوناگون و متنوع باشند و به انحا و طرق مختلف ساخته و پرداخته شده باشند، همه دارای خصیصه ای مشترکند و آن اینکه همواره منطقه و ناحیه محدود و مشخصی را به اشکال گوناگون بهره‌مند از قداست می‌کنند و پیوند با خدا (امر قدسی) را ممکن می‌سازند. محل و مکان مقدس به سر چشمه لایزال قدرت الهی و نیروی قداست تبدیل می‌شود که آدمی فقط با گام نهادن در آن محدوده می‌تواند از قدرت و قداست امر قدسی به نحو احسن بهره‌مند شود. [[13]](#footnote-13) به عبارت دیگر، اماکن مقدس میعاد و میقات و مکان ارتباط انسان و خدا و دروازه ورود به ملکوت الهی‌اند.همه پرستشگاه‌ها و اماکن مقدس از طریق تجلی الوهیت مقدس و متبرک می‌شوند و انسان مؤمن و مذهبی با ورود به آن‌ها از جهان نامقدس جدا می‌شود و جهان و مکانی را غیر از آن چه در خارج از مکان مقدس است، احساس و تجربه می‌کند. علاوه بر این، فرد مؤمن در مکان مقدس زمان ازلی و مقدس را نیز تجربه می‌کند. زمانی غیر از آن چه در خارج از مکان مقدس حس و تجربه کرده است. [[14]](#footnote-14) زمان و مکانی اساطیری و ازلی و معنوی که در آن فعل آفرینش الهی به گونه ای اسطوره وار تکرار می‌شود. در ادیان و مذاهب مختلف از کسانی که وارد مکان های مقدس می‌شوند خواسته می‌شود که اعمال خاصی از قبیل غسل، وضو، تطهیر، درآوردن کفش، زانو زدن، سکوت، احساس انابه و انکسار و... را انجام دهند که همه حاکی از انقطاع از مکان و جهان عادی و پیوستن و درآمدن به مکان و جهان مقدس است. [[15]](#footnote-15)انسان مؤمن و مذهبی در مکان مقدس که محل تلاقی ماده و معنا و مکان”عقد زمین و آسمان» و دروازه ورود به ملکوت است، بوی بهشت را استشمام می‌کند. [[16]](#footnote-16)

بررسى اصطلاحى واژه مسجد

در بررسى اصطلاحى با توجه به اين كه روال بر اين است كه واژه مورد نظر در اصطلاح حوزه علمى مورد تحقيق بررسى مى شود، طبيعى است كه بايد نگاهها را از گذشته تاريخى اين كلمه برداشته و متوجه حوزه تمدن اسلامى كرد.مسجد در تاريخ تمدن اسلامى اولين نهاد اجتماعى و سازمانى است كه مستقيما از سوى پيامبر اكرم (ص) و در نخستين روزهاى تاسيس حكومت اسلامى پايه گذارى شد و تا مدتها قلب تپنده جامعه اسلامى و مركز بى بديل اجتماع مسلمين بود.اين نهاد در طول تاريخ تمدن اسلامى و نشيبهاى متعددى را طى كرده است كه بدون ترديد درخشان ترين فراز حياتش دوران صدر اسلام است. اين مكان مقدس گرچه در ظاهر دجار تحولات شگرفى شده و گاه زينت هاى آن به حدى بوده كه با كاخهاى پادشاهان برابرى مى كرده است، اما در باطن هرگز تعريف اصيل خود كه همانا قطعه زمينى پاك براى عبادت فردى و اجتماعى امت بود را از دست نداده و نخواهد داد .مسجد قطعه اى كوچك يا بزرگ از زمين است كه پس از نظافت، تسطيح و پاكيزه كردن آن، سمت قبله در آن مشخص مى شود و به نماز اختصاص مى يابد.اين قطعه زمين ها گاهى داراى ديوارند و گاهى بدون آن، با شن پاكيزه و با حصيرهاى ارزان يا فرش هاى گران قيم فرش مى شوند. گاهى بر روى اين قطعه زمين بناهاى عظيم با ديوارها، سقف ها، گنبدها و ماذنه هاى بزرگ بر پا مي شود و گاهى نيز هيچ يك از اينها را ندارد. اما اين در مسجد بودن آن تاثيرى ندارد؛ زيرا يك مسجد معمولى نيز همانند عظيم ترين مساجد مكانى مقدس با ويژگي هاى ممتاز است. مسجد از همان ابتداى تاسيس تنها يك عبادتگاه مسلمانان نبود بلكه محل اجتماع عمومى و نشانه وحدت امت نيز به شمار مى رفت. چنان كه جامع نيز كه به مسجد گفته مى شود حكايت از همين اجتماع دارد و طبيعى است كه در جايى كه محل اجتماع مردم است صرفا امور عبادى مطرح نيست بلكه همه شوون جامعه اعم از سياسى، اقتصادى، قضايى، ارتباطى،تبليغاتى و ... نيز مطرح مى شود و لذا مساجد به ويژه در صدر اسلام كاركردهاى متعدد داشتند. اما در مسجد يك راز نهفته بود و آن اين كه گر چه مسجد كاركردهاى متعدد داشت، ولى با اين همه اين مكان، مسجد و محل عبادت بود و اين جوهره همه فعاليتهاى سياسى، اجتماعى، اقتصادى و ... امت مسلمان در راستاى عبوديت بندگان براى خداوند است. شايد اين اقدام را بايد نوعى حركت نمادين پيامبر (ص) و بلكه اسلام تلقى كرد؛ اگر بپذيريم جوهره جامعه اسلامى عبوديت است، مى توان گفت :همه چيز از مسجد مى جوشد و در جامعه سريان مى يابد.بدين ترتيب مسجد و تاسيس آن پاسخى بود به يك نياز؛ نياز جماعتى كه تمدنى جديد را مبتنى بر بينش الهى پايه ريزى مى كرد و طبيعى است كه در اين مسير نيازمند نهادهاى جديدى باشد كه با نگرش خاص او به عالم و هستى مناسبت داشته باشد. بينشى كه دنيا را مزرعه آخرت و آبادانى اخروى را در گرو آبادانى دنيا و سعادت جاودانى را در گرو حيات اجتماعى پاك و الهى مى دانست. بينشى كه سلوك فردى محض را مردود و سلامت جامعه در همه عرصه ها را ضامن سلامت فرد مى شمرد. مسجد با كاركردهاى متعدد و متنوعى كه داشت بهترين و مناسب ترين پاسخ به اين نياز بود.

مسجد در قاموس های عربی

العین، مسجد را مکانی برای سجده کردن می داند.[[17]](#footnote-17)تهذیب اللغه دومعنا را برای این واژه ذکر می کند :اول نمازگاه گروهی یا عمومی و دوم، اعضایی از بدن که برآنها سجده می شود مانند پیشانی،کف دودست و ...[[18]](#footnote-18)لسان العرب مفهومی فراگیر ازاین واژه ارائه می دهد :هر مکانی که در آن عمل پرستش انجام شود مسجد است.[[19]](#footnote-19)

مسجد در زبان های سامی

پرستش گاه :مفهوم پرستش گاه، از مهم ترین مفاهیم واژه مسجد در زبان عربی و بسیاری زبان های هم طراز و هم ریشه است این واژه در سنگ نبشته های نبطی هم به همین معنی است. اما باید گفت واژه مسجد احتمالا در اصل به معنای ”سنگ بنای یابود یا ستون مقدس» است.بی شک تقدس یک مکان پرکشش ترین شاخصه ی جذب مردم گرداگرد آن نقطه است تا حضور درآن حضور در آن جا بهترین انتخاب را برای محل نیایش خود انجام دهد، و طبیعی است که حضورا تدریجی انبوه جمعیت دریک منطقه (برای نیایش) هویت جدیدی برای آن مکان به وجود می آورد و آن نقطه را به کانون پرستش و نیایش تبدیل میک ند.پابه پای رونق چنین مکانی آن چه محدوده ی این منطقه را مشخص می کند و خصوصیت آن را نسبت به فضای اطراف نشان می دهد ساختمانی است که می تواند درساده ترین شکل ممکن ساخته شود و در عین شادگی نام مسجد را از زمین مقدسی که درآن بنا نهاده می شود بگیرد و به خود اختصاص دهد. بنابراین، واژه مسجد اساسا اشاره به سرزمینی مقدس و مبارک دارد که به اعتبار همین تقدس مکانی برای پرستش و نیایش محسوب می شود.با دقت در سطور بالا می فهمیم که”مسجد» از ابتکارات اسلامی نیست، بلکه این واژه مفهومی عام دارد که بر هر نوع معبدی اطلاق می شود.

کاربرد قرآنی واژه مسجد

واژه قرآنی مسجد خاستگاه مجموعه واژگان فرانسوی” mousquaie»، ایتالیایی”moscheta» و”moschea “و اسپانیایی” mezquita» است.این مطلب درباره واژگان انگلیسی” mosquee”: و فرانسوي” mosque»هم صادق است[[20]](#footnote-20).این واژه در برحی از لهجه های عربی با تبدیل حرف جیم به یا به”مسید» تغییر یافته است. [[21]](#footnote-21)واژه مسجد، به صورت مفرد وجمع روی هم 27بار در27آیه قرآن به کار فته است که در چهار گروه جا می گیرند:آیاتی که در آنها واژه مسجد به صورت مفرد (غیر مرکب) به کار فته است ومفهومی عام دارد.آیه زیر یکی از نمونه های این گروه است(ایه 114بقره).ایاتی که درآنها واژه مسجد به صورت مفرد (غیر مرکب) وجود دارد و بی شک نمی توان آن را معادل یک پرستش گاه اسلامی در نظر گرفت.بهترین نمونه این گروه ایه 21کهف است.آیاتی که در آنها واژه مسجد به صورت مفرد (غیرمرکب) به کار فته است اما بی شک سخن از یک پرستش گاه منحصرا اسلامی در میان است.نمونه این کاربرد آیه 108 سوره توبه است که به مسجد قبا اشاره دارد.آیاتی که درآنها قرآن با ترکیبات”المسجد الحرام» و«المسجد الاقصی» یک معرفی دقیق از پرستش گاهی خاص ارائه می دهد.در آیه یک سوره اسراء هر دو ترکیب وجود دارد.

هویت اسلامی

هویت در معنای معمول آن با تمایز و تشخیص تعیین می شود. انسان چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی با مراجعه به منابع مختلف در صدد بازشناسی و هویت بخشی تمایز خود در این سطوح بر می آید. شناخت ومعرفت در هویت یابی انسان به عنوان فرآیندی که در جامعه و در طول تاریخ شکل می گیرد واسطه ای تعیین کننده است.مکانیزم های شناختی متمایز، برخاسته از بنیاد های متفاوت که ذهنیت افراد را در جریان شناخت رهنمون می شوند، ظرفیت های متفاوتی را برای اتخاذ منابع هویت یابی فراهم می آورند.هویت ها فرهنگ ساز و خود متاثر از فرهنگ هستند و «عمیق ترین لایه هر فرهنگ، لایه معرفتی یا جهان بینی آن است که از سنخ تفکر، باور واندیشه است». [[22]](#footnote-22)هویت اسلامی ریشه در صدر اسلام، شخص پیامبر (ص)، آیین وی، قرآن کریم و نیز اهل بیت (ع) او دارد و امری رسوب کرده و نهادینه شده در نهاد مسلمانان است.[[23]](#footnote-23)در دانشنامه علو م اجتماعی هویت چنین تعریف شده است:« هویت اجتماعی کلی ترین مفهوم آن به خود آگاهی یک شخص در ارتباط با دیگری اشاره دارد.با وجود این در روان شناسی اجتماعی بریک مفهوم خا صتر، یعنی خودآگاهی در چارچوب عضویت یک فرد در گروه های اجتماعی مختلف دلالت می کند.[[24]](#footnote-24)هویت با معنایی که شخص برای زندگی خود می باید پیوند مستقیمی دارد.شاید بتوان این نکته را با اصطلاح واژگاه نهایی ریچارد رورتی بهتر توضیح داد.از نظر رورتی واژگان نهایی واژگانی است که هنگامی که از کسانی خواسته می شود از امید، عقاید و آرزوهایشان تبیین هایی ارائه دهند، مجموعه ای از کلمات وعبارات را دارند که بدانها متوسل می شوند.اینها، همان واژگان نهایی هستند.ما داستان خودمان را با این واژگان نقل می کنیم.آنها بدین دلیل نهایی هستند که فراتر از آنها تکرار مکررات، جزمیت یا سکوت وجود دارد. [[25]](#footnote-25)هویت اسلامی به معنای مجموعه خصوصیات، ویژگی ها، ارزش ها و عمالی است که فرد وجامعه را به واسطه داشتن این نوع احساسات و تعلقات مذهبی، به شخصیت وجامعه ای متمایز تبدیل کرده است.در واقع” هویت مذهبی به عنوان یکی از ابعاد هویت اجتماعی متضمن سطحی از دینداری است که با”ما»ی جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت تقارن دارد و نشان دهنده احساس تعلق به دین، جامعه دینی و تعهد به دین و جامعه دینی است. [[26]](#footnote-26)يكي از اقدامات رسول خدا(ص) در جهت يك هويت جديد است كه همه اعضای جامعه در قبال يك‌ديگر و جامعه احساس مسئوليت مي‌كنند.از این رو، قرآن کریم امت اسلامی در عصر پيامبر(ص)را بهترين امت و جامعه‌ای دانسته است كه تا آن زمان تشكيل شده بود.[[27]](#footnote-27) از ويژگی‌هايی كه قرآن براي امت نمونه و شاهد[[28]](#footnote-28) یاد کرده، اين است:در كارهای يك‌ديگر نظارت مي‌كنند و امر به معروف و نهي از منكر مي‌كنند.[[29]](#footnote-29) همكاری در كارهای پسنديده و نيك در ميان آنها اصالت دارد؛[[30]](#footnote-30)ولی همكاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم مطلقاً ممنوع است.[[31]](#footnote-31) برادری ايمانی در ميان آنان در آن حد و اندازه است كه از خود می‌گذرند و ايثار می‌كنند.[[32]](#footnote-32) در جستجوی وضعيت يكديگر به تجسس و جاسوسی اقدام نمی­كنند.[[33]](#footnote-33) غيبت و تهمت و افتراء در ميانشان نيست.[[34]](#footnote-34) اختلافات را با رجوع به خدا و رسولش(ص) حل و فصل می­كنند.[[35]](#footnote-35) در همه امور اصل بر تقوا و عدالت و قسط نهاده می‌شود و عفو و گذشت را حتی نسبت به قاتل در نظر می­گيرند و اصالت را به قصاص و قتل نمی‌دهند هر چند كه قصاص و امور ديگری از اين دست حق ايشان است.[[36]](#footnote-36) به يك معنا از حق خويش برای تقويت همبستگی می‌گذرند و اصول همدلی و همراهی را در خود تقويت می‌كنند و از يك‌ديگر انتقام نمی‌گيرند. بر دشمنان سخت‌گير و محكم اما نسبت به يك‌ديگر دلسوز و بخشنده و مهربان[[37]](#footnote-37) و برادر[[38]](#footnote-38) هستند.مال و جان و عرض يك‌ديگر را محترم مي‌شمارند[[39]](#footnote-39) و امنيت اقتصادي، سياسي، اجتماعي را براي جامعه فراهم مي‌آورند و عوامل ايجاد آرامش و آسايش در جامعه را تقويت مي‌كنند و... بسياري ديگر از مسائلي كه در قرآن بدان پرداخته و به تفصيل توضيح داده شده است.رسول خدا(ص) در جهت يك همبستگی ايمانی مسلمانان و ايجاد يك امت واحده و روح وحدت در بين جامعه در راستای برپایی يك هويت اسلامی سفارشاتی كردند که به گوشه‌هايی از آن مي‌پردازيم:مسلمانان برادر يك‌ديگرند،[[40]](#footnote-40)آنان همگی چون فردی هستند كه هرگاه يكي از اعضای پيكرش به درد آيد، ديگر اعضای او با آن همدردی می‌كنند،[[41]](#footnote-41) امر به معروف و نهی از منكر می‌كنند،[[42]](#footnote-42) ديگر مسلمانان را آزار نمی‌دهند،[[43]](#footnote-43) به امور مشكلات مسلمانان اهتمام دارند و فريادرس مظلومان هستند،[[44]](#footnote-44) دنبال لغزش عيب يكديگر نيستند و آبرو و شخصيت اجتماعی ديگر مسلمانان را حفظ می‌كنند،[[45]](#footnote-45)به عهد و پيمان خود وفادارند، فضائل اخلاقي در بين آنها رواج دارد. لذا با هم حسن خُلق دارند و از كينه و بدخواهی پرهيز می‌كنند، از تفرقه و دوری از جامعه گريزان هستند. از اين رو، رسول خدا (ص) براي ساخت يك امت و هويت جديد اسلامي در جامعه جاهلي آن روز موفق شد با استفاده از شيوه‌ها و ابزارهاي فرهنگي، نبوت و رهبري را به جاي شيخ قبيله، ارزش­های اسلامی را به جاي ارزش­های جاهلی، توحيد و يكتاپرستي را به جای شرك و چندخدايی، مسئوليت‌پذيري را به جای مسئوليت‌گريزی، عقيده به معاد را به جای آينده پوچ و عبث، كار و توليد را به جای رخوت و سستی، فضايل اخلاقی را به جای رذايل اخلاقی، كمك به نيازمندان و آزاد كردن بردگان را به جای به بيگاری كشاندن انسان های مستضعف، حكومت جهانی را به جای حكومت قبيله‌ای، منافع اسلامي و انسانی را جايگزين منافع قبيله‌اي، اعتماد را به جاي بي‌اعتمادي مسابقه در خيرات را به جای مسابقه در شرور، ايثار و عدل و انصاف را به جاي غارت و ظلم و تلاش برای دستيابی به آينده بهتر را به جای ركود و تلاش براي حفظ وضع موجود قرار داد. [[46]](#footnote-46)

مسجد در احاديث و روايات

در جوامع روايى شيعه و سنى به حدبسیاری حديث و روايات در عظمت جايگاه مسجد و همچنين فضيلت نماز و عبادت در مساجد و تكريم اهل مسجد وارد شده است كه بايستى دست به گزينش زد و اخبارى را بيان نمود تا به صورت اجمال نسبت به جايگاه مسجد در سنت آگاهى پيدا كرد.بايد توجه داشت كه اين سخنان و احاديث از زبان كسانى نقل مى شود كه مسلمين در طول تاريخ به نام سنت همه تلاش خود را در تاسى به رهنمودهاى آنها نموده اند و همواره به عنوان پيشوايان خود به آنها اقتدا كرده اند، بنابراين كاملا طبيعى است كه اين تكريم و تعظيم بازتاب گسترده اى در ميان مسلمين داشته و آنها را به توجه همه جانبه و حضور پيوسته در مساجد در طول تاريخ واداشته است. اميرالمؤ منين على (ع) فرمود: دنيا مسجد محبان خداست و نماز گاه فرشتگان او.[[47]](#footnote-47)در تكريم و احترام خاصى كه پيامبر اكرم (ص) براى مسجد قائل بوده اند چنين نقل شده است كه : رسم رسول خدا (ص) بود كه هر گاه از سفرى بر مى گشت ابتدا به مسجد مى رفت و دو ركعت نماز مى خواند. سپس در آن جا مى نشست و مردم به ديدنش مى آمدند.[[48]](#footnote-48)

نقش مسجد و تاثیرات آن در امر هویت سازی مسلمانان

مسجد در شكل گيرى، انسجام تقويت فرهنگ و هويت اسلامى جامعه مسلمان حايز اهميت بسيار است. مسجد مركز عبادت و تجلي ايمان و عمل مسلمانان است و نيز نقطه تجمع و رجوع مناسک عبادی و معنوی مسلمانان می باشد و مکانی است كه انسان مى‏تواند هويت‏ دینی خويش را که در هر سرزمينى باشد بشناسد و آن را در خود تجلی دهد. نخستين مسجدى كه در اسلام بر پايه تقوا ساخته شد، مسجد قبا بود. پس از آن، مسجد النبى (ص) در يثرب يا مدينة النبى ساخته شد.به دنبال آن، طوايف عرب هر كدام در ناحيه خود مسجدى بنا كردند. آنان از رسول خدا (ص) مى‏خواستند تا در مسجدشان نماز بگزارد و از باب تبرك، محل نماز آن حضرت را به عنوان مسجد خود انتخاب مى‏كردند. ابن شبه فهرستى از مساجدى كه رسول خدا (ص) در آنها نماز خوانده به دست داده است. پيامبر اسلام (ص) در نخستين گام براى تثبيت حاكميت خود نياز به يك مقر حاكميت و پايگاه فرماندهى دارد. پايگاهى كه مردم آن جا را به عنوان مركز روحى، فكرى و سياسى خود بشناسند.با توجه به نگرشى مزبور آن مركز نمى توانست كاخ و قصر و داراالاماره باشد. آن مركز نمى توانست ايوان مدائن يا شهر ممنوعه و يا تخت جمشيد باشد، آن مركز حتى نمى توانست مجلس سنا كه در ظاهر رنگى از مشاركت مردمى؛ مردمى كه نه مشاركت اعيان و اشراف را داشته، باشد. بلكه اين مركز بايد پايگاهى مى بود كه در آن حاكم و حكومت شونده يك جا حاضر باشند و هر روز يكديگر را ملاقات نمايند. حاكم در همان جا حكم كند و حكومت شونده همان جا اعتراض و استيضاح كند.حاكم و حكومت شونده همان جا با هم مشورت نمايند و با توجه به جهت گيرى الهى اين حكومت عبادات اجتماعى به امامت پيشواى جامعه نيز بايد در همين مكان صورت گيرد.ابلاغ و تعليم احكام الهى نيز در همين مكان به عنوان مقر حاكميت دينى بايد انجام شود و ...

با توجه به اين كاركردهاى متعدد اساسا كدام نهاد بهتر و مناسبتر از مسجد را مى توان نام برد. مسجد در عين اين كه معبد و جايگاه عبادت مسلمين بود همه كاركردهاى سياسى، اجتماعى، اقتصادى، حقوقى، تبليغى، ارتباطى و ... را داشت. به عبارت ديگر مسجد النبى از همان بدو تاءسيس نه تنها به عنوان جايگاه اصلى اجتماع مسلمانان براى اداى فرائض دينى مورد استفاده بود، بلكه نخستين كانون فعاليت هاى علمى، سياسى و اجتماعى نهضت جهانى اسلام نيز به شمار مى رفت. در واقع پايه هاى اساسى حكومت اسلامى در زمان رسول خدا (ص) در اين مسجد بنيانگذارى شد و اصول و مبانى دين مبين اسلام از اين پايگاه مقدس به مردم جهان عرضه شد.

کارکردها و تاثیرات هویتی مسجد

الف :کارکرد ارتباطی مسجد

مسجد به مثابه اداره كل اطلاع رساني و ارتباطات

در نظام مقدس اسلام،”مسجد» که بنیانی اعتقادی و عبادی دارد، محل آمد و شد مداوم مسلمانان در اوقات نمازهای یومیه و مناسبت‌های مختلف می‌باشد و از این جهت نسبت به سایر معابد دیگر ادیان از برجستگی خاصی برخوردار است. و محور فعالیت های تبلیغی و مهم ترین وسیله‌ی ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد. مسجد به عنوان مرکز انتقال پیام در زمان صدر اسلام که از جهت اطلاع رسانی فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت؛ زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی فرصت را مغتنم می‌شمردند و به مناسبت‌های مختلفی راهنمایی‌های لازم را به اطلاع عموم می‌رساندند.”رسم مسلمانان در زمان پیامبر (ص) این بود که هرگاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد جارچی ندا می‌کرد:”الصَّلَاةَ جَامِعَةً»؛ یعنی: برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان معنایی خاص داشت. آنان از این ندا می‌فهمیدند که امر مهمی مطرح است.»“مسجد تنها یک وسیله ارتباط جمعی تک بُعدی نیست که به انتقال پیام الهی اکتفا کند، بلکه مسجد هم زمان با انتقال پیام خود، مرکز تعیین پیام و نمود و آثار آن است و این ویژگی است که مسجد را از هر پایگاه و جایگاه دیگر متمایز می‌سازد» به علاوه بیش تر”مساجد جامع» را به نحوی و در نقاطی احداث می‌کردند که در مسیر راه‌ها و معابر شهری قرار بگیرند بنابراین مساجد یکی از مهم ترین عرصه‌ها و صحنه‌های انواع ارتباطات اجتماعی و فرهنگی بودند.

ب:کارکرد اجتماعی مسجد

پایگاه اصلی مشاوره و نمایش وحدت و همدلی مسلمانان

 (..وَشَاوِرْهُمْ فِی الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ ‏) و مشورت کن با ایشان در کار و چون که تصمیم گرفتی پس توکل کن بر خدا که خدا دوستدار توکل کنندگان است. مشورت و مراجعه به آرای عمومی، نقش بسزایی در تکامل جامعه دارد و این تبادل آرا در مسائل اجتماعی است که رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد. عرب‌ها پیش از اسلام، مکان هایی را برای رایزنی و مشورت داشتند و به آن‌ها نادی می‌گفتند، نادی از ندوه به معنای مشورت است؛”دارالندوه» در کنار کعبه یکی از مکان هایی بوده که قصّی بن کلاب برای مشورت قریش قرار داده بود. با آمدن اسلام و ساخته شدن مساجد این وظیفه نیز به”مساجد» انتقال یافت. آن دسته از مسائل اجتماعی و سیاسی که لازم بود مسلمانان درباره‌ آن شور و گفتگو کنند، در مسجد مطرح می‌شد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. در واقع مسجد پایگاهی برای مشورت با مردم بود.”از این رو نویسندگانی که مسجد را”مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند.» در متون تاریخی آمده است که پیامبر اسلام(ص) برای اتخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه به نام مسجد”عرق الظبیه» با اصحاب به مشورت پرداخت. هم چنین برای رفتن به جنگ احد در”مسجد مدینه» با مسلمانان به تبادل نظر همت گماشت.». (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعًا وَ لاتَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ ‏...) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و یادآورید نعمت خدا را بر شما یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی وحدت و همبستگی مسلمانان بر محور فرامین الهی است. )وَأَطیعُوااللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لاتَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ ریحُکُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرین( و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تاسست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است. جامعه‌ای که دچار تفرقه و پراکندگی شود، بخش مهمی از توان و نیرو خود را در کشمکش‌های داخلی از دست خواهد داد و بدین‌ صورت نه تنها در رویارویی با دشمنان خارجی دچار ضعف و ناتوانی است، بلکه توان حل مشکلات درونی خود را نیز نخواهد‌ داشت و از هر سو با شکست مواجه خواهد شد. از این رو در مکتب حیات بخش اسلام بر عنصر وحدت در جامعه‌ اسلامی فراوان تاکید شده ‌است. دین مقدس اسلام برای دست‌یابی به این امر حیاتی (وحدت اجتماعی مسلمین) تمامی امتیازهای پوچ و بیهوده را نفی کرده و”تقوا» را به عنوان اصل کرامت و ارزش انسان معرفی نموده‌ است. با این حال”وحدت» از یک سو نیاز به اسباب و عواملی دارد که موجب استحکام و پایداری آن می‌شوند و از سوی دیگر نیازمند آن است که در مکانی ظهور و تجلی نماید و مسجد در جامعه‌ اسلامی در این زمینه نقش اساسی ایفا می‌کند. در واقع مسجد کانونی است که شبانه روز مؤمنان از اقشار مختلف با مناصب‌ و موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، از پیر و جوان، سفید و سیاه، ثروتمند و فقیر و.... در آن حضور می‌یابند؛ همگان دوش به دوش هم و در صف‌هایی به هم پیوسته و رو به یک سو، نماز می‌خوانند و بدین صورت روح همدلی و همراهی در آن‌ها تقویت می‌شود و دل‌های مسلمانان سست ایمان را نیرو و پایداری می‌بخشد و حتی اختلاف‌های مذهبی نه تنها مانع حضور اهل مذاهب گوناگون در مساجد یکدیگر نیست، بلکه مسجد به منزله‌ی عاملی موثر با این گونه اختلاف‌ها مبارزه می‌کند و مسلمانان را به یکدیگر نزدیک می‌نماید. البته خداوند متعال با نزول آیه 108سوره توبه پیامبر خویش را از نمازگزاردن و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعه‌ی اسلامی را دچار آسیب کند نهی می‌نماید. اثر دیگری که شکوه همبستگی مسلمانان در مسجد همراه خواهد داشت، نومیدی دشمنان اسلام از تفرقه و پراکندگی مسلمانان است. علاوه بر اینکه خود مسجد پایگاه وحدت مسلمین است، شواهد نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقررات نماز جماعت هم‌چون تاکید بر منظم بودن صف‌ها و خارج نشدن از مسجد به هنگام اذان و در نماز جماعت و... به منظور وحدت و هماهنگی بیش تر مسلمانان وضع شده است.. نظم نماز جماعت، نماد وحدت تاکید بر منظم بودن صفوف و فشرده ایستادن مومنان به هنگام نماز جماعت، علاوه بر رعایت نظم و انضباط در پیشگاه خداوند و ایجاد وحدت و همدلی مومنان نمازگزار، نمایشی از نظم و یکپارچگی آنان در مقابل دشمنان است.

ج: مسجد و مبارزه با اختلاف وآشفتگی

 پیامبر(ص) می‌فرماید:”مَنْ سَمِعَ النِّداءَ ِفی المَسجِدِ فَخَرَجَ مِنْهُ مِنْ غَیرِ عِلَّه فَهُوَ مُنافِق الِّا اَن یُرِیدَ الُرجَوعَ اِلَیهِ» کسی که در مسجد صدای اعلام نماز را بشنود، آن‌گاه بدون عذر، مسجد را ترک گوید، منافق است؛ مگر این‌ که قصد بازگشت دوباره به مسجد را داشته باشد. خروج از صف‌نماز جماعت در مسجد، نشان از عدم همبستگی و اتحاد مسلمانان دارد؛ در صورتی که مسجد، جایگاه تجلی وحدت مسلمانان است. بنابراین کسی که چنین رفتاری را انجام می‌دهد، در واقع به نقش وحدت آفرین مسجد آسیب رسانده و خواسته و ناخواسته موجب ایجاد نفاق و امیدوار نمودن کسانی می‌شود که پراکندگی صف‌های به هم پیوسته مسلمانان را انتظار می‌کشند.[[49]](#footnote-49)

د: مسجد : ستاد امر به معروف و نهی از منکر

یکی از برترین واجبات دینی در جامعه‌ اسلامی است که ثمرات فراوانی برای پیروان این دین مقدس به ارمغان آورده است و در اصلاح روابط اجتماعی نقش کلیدی را ایفا می‌کند و باعث ایجاد جامعه‌ای سالم و مدینهای فاضله است. هدف قرآن کریم هم آن است که با نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر غبارهای نشسته بر چهره جهان را بر‌باید و از این راه دل‌های غافل را بیدار نماید و بستر رشد و تعالی بشریت را فراهم سازد. در این رابطه، مسجد جایگاه گردهمایی دین‌داران دلسوز، میدان حضور مومنان و نمایشگاه ایمان، وحدت و هم‌بستگی آن‌هاست. بیماردلانی که میل به انجام گناه دارند، با دیدن نمایش ایمان مومنان از گناه و سرکشی باز می‌ایستند؛ همین‌طور است د‌ر‌ مورد آنان که به دلیل سستی ایمان، متزلزل و مردّدند، از مسجد، روحیه‌ ثبات و استواری می‌گیرند. بدین‌سان حضور مسلمانان در مسجد خود به خود سبب جلوگیری از بسیاری از معاصی و گناهان می‌شود.

و: کارکرد حقوقی مسجد :

جایگاه قضاوت

اصل وقوع قضاوت در مسجد مورد اتفاق علماست؛ لذا هيچ فقيهي قائل به حرمت قضا در مسجد نيست ـ چه اينكه قائل به وجوب هم نداريم ـ بلكه همۀ فقهاء قضاوت در مسجد را جايز مي‌دانند با اين تفاوت كه برخي قائل به كراهت قضا در مسجد، برخي قائل به استحباب و برخي تفصيل مي‌دهند، برخي نيز احتياط را در ترك قضاء در مسجد مي‌بينند و برخي با توجه به ادله اصل جواز و عدم كراهت را ثابت مي‌كنند. قضاوت در مسجد از نظر رواني هم براي طرفين دعوا و هم براي قاضي، آرامش بيشتری به همراه دارد، زيرا همگان به مقدّس بودن اين مكان ايمان دارند و فضاي مسجد خود به خود باعث مي‌شود افرادي كه در آن جا حضور پيدا مي‌كنند، از مسائلي نظير دروغ‌ گفتن، شهادت به باطل، سوگند دروغ و نظائر اين‌ها پرهيز كنند و اين خود سبب قضاوت به حق از سوي قاضي خواهد شد..”مسجد» نخستین محکمه‌ای بود که پیامبر گرامی(ص)در آن به قضاوت می نشستند. بدین ترتیب نخستین قاضی در اسلام وجود مبارک حضرت محمد(ص) بودند. یکی از دلائلی که پیامبر اعظم(ص) مسجد را جایگاه قضاوت قرار دادند این بود که همه‌ افراد از قوی و ضعیف، توانگر و بینوا و کوچک و بزرگ شاهد اقامه‌ عدل و اجرای احکام الهی باشند و بدان روی آورند که این خود موجب تهذیب نفوس خواهد شد. از سوی دیگر چون در سرزمین‌های اسلامی آیین دادرسی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی بود، تشکیلات خاص و مکان ممتازی به جز مسجد برای قضاوت وجود نداشت. این روند در زمان خلفای راشدین هم ادامه داشت.

ه: کارکرد آموزشی مسجد: نقش علمی ـ آموزشی مسجد

نقش کتابخانه های اسلامی در جامعه اسلامی

مسجد به مثابه کتابخانه

بیش تر اندیشمندان دنیای اسلام براین عقیده اند که رشد کتابخانه در اسلام، نتیجه موجودیت مسجد بوده است که رابطه نزدیکی باآن داشته است.حلقه های درس در علوم مختلف اسلامی در چنین مساجدی تشکیل می شد. بدین ترتیب مسجد الحرام در مکه مکرمه و مسجد النبی در مدینه منوره و مساجد بسیاری در سرزمین های فتح شده، میعادگاه افراد وگروه هایی بود که به دنبال فراگیری دین اسلام و ویژگی های آن بودند.یک روحانی در مسجد می نشست و مریدان به دورش حلقه می زدند.وی آن چه را که مربی درباره دین ودنیا آموخته بود، به آنها آموزش می داد.در برابر، طلاب این سخنان را به نقل از استادان نوشته و جمع می کردند.بعدها این مجموعه ها کتب وآثار طلاب مزبور می شد.این شکل بیانگر آغاز حلقه های درسی و جلسات امالی بود.مورد ثانوی، یعنی جلسات امالی با ظهور کتاب های متعددی تحت عنوان امالی به ثمر رسید.حاجی خلیفه در کشف الظنون فصلی ویژه به آن اختصاص داده است.از جمله این موارد، کتاب های امالی القالی، ثعلب الزجاجی، ابن درید، و بدیع الزمان همدانی است.[[50]](#footnote-50)ازآن جا که کتاب ها در صحن وعظ مساجد به وجود می آمد، کتابخانه ها نیز در چنین مکان هایی راه اندازی گردید.بدان سبب است که مسجد در اسلام نه تنها محل عبادت ف بلکه مرکز نشر پیام اسلامی وسرچشمه تفکر نظری نیز می باشد.در بین مساجد رسم بود که در طول دوران اسلام نسخه هایی از قرآن، کتاب های تفسیر، حدیث، فقه، و عقاید که توسط عالمان دینی تالیف شده به مساجد سپرده می شد.این آثار در مساجد حفظ می گردید، تا مردمی که برای عبادت به آن مکان مقدس آمده ویا به فراگیری و مطالعه علاقه مند بودند ازآنها بهره مند شوند.براین قرار، هر اندازه که مسجد محل عبادت بود، مرکزی برای مطالعه در انواع رشته های علمی نیز برای سطوح متفاوت محسوب می شد.تدریس در مساجد برای مدت زمان طولانی قابل ملاحظه ای ادامه داشت تا این که در سال های بعد، مدارس نظامیه در اواسط تاسیس شد. مثالی از کتابخانه های اسلامی همراه با مساجد، هنوز هم در طی روزگار ما در اکثر کشورهای عربی واسلامی قابل مشاهده است، ازجمله مسجد الحرام در مکه مکرمه، مسجد النبی در مدین همنوره، جامع الازهر در قاهره، جامع بنی امیه در دمشق، جامع الزیتونه،جامع المنصور در تونس، جامع المنصور در بغداد، مسجد قرطبه، طلیطله، بلاد مغرب والجامع الکبیر در صنعا.هریک از این مساجد دارای کتابخانه های بزرگ مملو از نسخه های خطی منحصر به فرد و آثار چاپی در موضوعات گوناگون بوده است ومی باشند.[[51]](#footnote-51)کتابخانه های اسلامی سرچشمه ی میراث اسلامی اند و وظیفه ی بسیار مهمی را انجام داده وخدمات مذهبی زیادی را فراهم ساخته اند.برای دستیابی به این خدمات، ایجاد مساجد معمولی چونان مساجد جامع با پیدایش کتابخانه ها در حاشیه این مساجد الزامی بود.براین قرار، هرگاه مسجدی بنا می شد، کتابخانه ای نیز در حاشیه ی آن قرار می گرفت.بدین دلیل مساجد تقریبا در تمام ممالک اسلامی مکان رایج برای شرکت در آموزش بوده و هنوز هم هست.مساجد به منزله محلی برای دیدار تمام مسلمین، چه اعیان واشراف و چه مردم عامی و متوسط نیز مورد استفاده قرار می گرفت.برای احقاق حق، رفع منازعه ی دسته های درگیر باهم، پرداخت وام بدهکاران، آماده سازی سپاهیان برای دفاع از قلمروهای مرزی، ودیگر مسائل زندگی اجتماعی، سیاسی، وفرهنگی ازآن بهره می جستند.[[52]](#footnote-52)در نظام تربیتی اسلام کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد به عنوان مقدمه‌ ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه‌ عقلی او واجب است و از این جا بود که تحصیل داشتن در میان مسلمان وجوب عینی پیدا کرد و این به جز رشته‌های تخصصی بود که گاه وجوب کفایی داشت و گاه وجوب عینی. علاوه بر آیات قرآن کریم، سیره‌ نبوی(ص) عامل دیگری در رویکرد علمی و آموزش جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شد. پیامبر اسلام(ص) رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود، آن هم در محیطی که سابقه‌ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آن وجود نداشت. علمی مشغول بودند. شبه جزیره و در تمام سرزمین‌هایی که به حوزه‌ی قلمروی اسلامی پیوسته بود، به کار رفت.

ی: نظام آموزشی در مساجد

اساس آموزش مسجد را حلقه‌ها و دایره‌های درسی تشکیل می‌داد که در اسلام آن‌ها را”حلقة العلم» یا دایره‌ آموزشی می‌نامیدند، کلمه‌ی حلقه به مفهوم شیء کروی و گرد است، به این ترتیب شیوه‌ی نشستن دانش آموزان در مسجد با سیستم”حلقه» اقتباس از جلسات حکومتی بود که معمولاً به شکل حلقه وار دور میز می‌نشستند؛ در این جلسات معلم بر روی پایه، بالش یا صندلی می‌نشست و بر دیوار یا ستونی تکیه می‌داد، از طرف دیگر، دانش آموزان در ردیف‌هایی به شکل نیم دایره در جلوی استاد قرار می‌گرفتند. هم چنین از دیگر آداب آموزش آن بود که هیچ نوع شرطی برای دانش آموزان وجود نداشت. هر فرد تشویق به پیوستن به حلقه‌ مورد انتخاب خود می‌شد، اما در بعضی از مساجد جلب رضایت استاد برای پیوستن لازم بود. در اکثر این دوایر ترتیب نشستن دانش آموزان به ترتیب مقام علمی آنان بود، دانش آموزان هرچه پیشرفته بودند به همان اندازه به استاد نزدیک‌تر می‌نشستند.

تبلیغ در مسجد

اقامه نماز جماعت و ضرورت اجتماع مردم در زمانهاى مشخص ‍ ضمن اين كه باعث به وجود آمدن نوعى نظم روزانه در زندگى مردم شده بود، يكى از زمينه هاى اصلى تشريع اذان به عنوان نداى اسلام شد؛ ندايى كه قرنهاست بر فراز گلدسته هاى مساجد در همه عالم طنين انداز است. حكايت از اين قرار بود كه در روزگار رسول خدا و در اوايل تاسيس مسجد پيش از تغيير قبله وسيله اى براى اجتماع مردم وجود نداشت و معمولا منادى پيامبر (ص) ندا مى داد و مردم جمع مى شدند. هنگامى كه قبله تغيير كرد، رسول خدا (ص) به فكر افتاد كه اوقات نماز را به اطلاع مسلمانان برساند، مسلمانان پيشنهادهايى كردند. برخى گفتند از بوق و شيپور استفاده شود و برخى گفتند از ناقوس، لكن پيامبر اينها را به خاطر تشبيه به يهود و مسيحيت نپسنديدند؛ چرا كه نداى اسلام نيز بايد همانند قبله و عبادتگاه اسلام اصيل و مستقل باشد.حضرت رسول (ص) از هر فرصتی برای روشنگری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست، و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مسجد در مجموعه‌ دوران 23 ساله‌ رسالت، مهم ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر اسلام (ص) بوده است، گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران ایفا کرده است همواره یکسان نبود.در اثر کوشش‌های تبلیغی حضرت رسول (ص) و اصحابش در مسجدالنبی زمینه‌های مناسبی برای پذیرش دین مبین اسلام در دیگر افراد به وجود آمد، به گونه‌ای که هرگاه نماینده‌ای از سوی یکی از قبایل و اقوام برای کسب اطلاع از این دین آسمانی به مسجد مدینه می‌آمد، بیدرنگ اسلام را می‌پذیرفت و به آن گردن می‌نهاد. همین‌طور، مسجد حضرت رسول (ص) در مدینه، همانند دانشگاهی بزرگ به تربیت و تعلیم مبلغان ورزیده‌ای همت گماشت و آنان را پس از آگاه نمودن از قرآن و فقه اسلامی به نقاط مختلف جزیرةالعرب اعزام کرد تا در پرتو هدایت و تعلیم مردم، آن سرزمین را از ظلمت نادانی و شرک برهانند و به دین اسلام فراخوانند.

كاركرد سياسى

بدون ترديد در كنار كاركرد دينى، وسيعترين كاركرد مساجد در صدر اسلام كاركرد سياسى آنها بود.به طورى كه مسجد رسما يك نهاد سياسى در جامعه به شمار مى رفت. شواهد تاريخى حاكى از اين است كه در صدر اسلام مسجد به عنوان نهادى حكومتى تلقى مى شد. اسلام ذاتا مخالف جدايى دين از سياست نبود. از اين رو يك فرد واحد هم زمامدار و هم مدير اجرايى بود و يك ساختمان واحد هم مسجد بود و هم مركز ثقل مسايل دينى و سياسى.[[53]](#footnote-53) نابراين مسجد تنها عبادتگاه جامعه نبود.بلكه مقرى بود براى همه فعاليتهاى سياسى جامعه اسلامى كه اتفاقا بر اساس اصل تفكيك ناپذيرى دين و سياست در مكتب اسلام، عبادى نيز محسوب مى شد و جوهره عبوديت در آن ملحوظ و آشكار بود.به عبارت ديگر در صدر اسلام مسجد بهترين نماد تلفيق دين و سياست بود و اصل سياست عين ديانت و ديانت عين سياست نخستين بار در مسجد النبى در معرض نمايش ‍ گذارده شد.علاوه بر اين اقامت و حضور نسبتا دائمى نبى اكرم (ص) به عنوان امام و رهبر جامعه در مسجد توجه خاص عمومى به اين نهاد را دو چندان مى كرد. در واقع سكونت رسول اكرم (ص) در مسجد بر اهميت ويژه آن افزود؛ به گونه اى كه مسجد مركز سياسى جامعه مسلمين شد. براى ايشان چندان مسلك نبود كه در نزديك مسجد خانه اى براى خويش بسازد. اما پيامبر مى خواست اولا پايگاهش در خود مسجد باشد تا مسجد تبديل به مركز سياسى جامعه شود ثانيا مسلمانان وضعيت زندگى پيامبر را با وجود تسلط ايشان بر همه امور به چشم خويش ببينند. تا خدمتگزاران جامعه اسلامى در زمان پيامبر يا پس از ايشان از اين نمونه پيروى كنند. پيامبر مى خواست به آنان بياموزد كه خدمت به مردم در جامعه اسلامى رياست و سيادت نيست. بلكه خدمتى است كه تنها براى خدا انجام مى شود و هدف آن ثروت اندوزى، جاه طلبى، استفاده شخصى يا خودنمايى نيست. امر واجبى است كه شخص به سبب عشق به اسلام و جامعه مسلمين و تنها براى پاداش اخروى به جا مى آورد.[[54]](#footnote-54)

 نتیجه گیری

در جوامع روايى شيعه و سنى حديث و روايات بسیاری در عظمت جايگاه مسجد و همچنين فضيلت نماز و عبادت در مساجد و تكريم اهل مسجد وارد شده است. مسجد مركز عبادت و تجلي ايمان و عمل مسلمانان است و نيز نقطه تجمع و رجوع مناسک عبادی و معنوی مسمانان می­باشد و مکانی است كه انسان مى‏تواند هويت‏ دینی خويش را که در هر سرزمينى باشد بشناسد و آن را در خود تجلی دهد. طبق جمع‌بندی‌های صورت گرفته از یافته‌های این پژوهش می‌توان به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافت که در این بخش به‌طور خلاصه به آن‌ها می‌پردازیم : 1)مسجد و تاسيس آن پاسخى بود به يك نياز؛ نياز جماعتى كه تمدنى جديد را مبتنى بر بينش الهى پايه ريزى مى كرد و طبيعى است كه در اين مسير نيازمند نهادهاى جديدى باشد كه با نگرش خاص او به عالم و هستى مناسبت داشته باشد.2) يكي از اقدامات رسول خدا(ص) در جهت يك هويت جديد است كه همه اعضای جامعه در قبال يك‌ديگر و جامعه احساس مسئوليت مي‌كنند.از این رو، قرآن کریم امت اسلامی در عصر پيامبر(ص)را بهترين امت و جامعه‌ای دانسته است كه تا آن زمان تشكيل شده بودیکی از این اقدامات در جهت هویت سازی بی شک امر مسجد سازی واهمیت دادن به نقش مسجد در تمدن اسلامی است.3) مسجد ایفاگر نقش‌هاو کارکردهای گوناگون و متنوعی است که هر کدام از آن‌ها نیازی از جامعه را برطرف خواهند کرد؛ الف: کارکرد ارتباطی مسجد،ب:کارکرد اجتماعی مسجد،ج: مسجد و مبارزه با اختلاف وآشفتگی،د: مسجد : ستاد امر به معروف و نهی از منکر،و: کارکرد حقوقی مسجد،ه: کارکرد آموزشی مسجد: نقش علمی ـ آموزشی (مسجد نقش کتابخانه های اسلامی در جامعه اسلامی ومسجد به مثابه کتابخانه)،ی: نظام آموزشی در مساجد،و امر تبلیغ در مسجد وكاركرد سياسى و...مساجد هر چند که به عنوان نهادی سنتی با قدمتی1400 ساله در جامعه قلمداد می‌شوند، اما با ارائه‌ی کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه می‌توانند، گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی بربایند و به عنوان نبض تپنده‌ی فرهنگ یک جامعه احیاگر باشند. با توجه به نقش واهمیت اماکن مقدس در جهان اسلام ذکر چند نکته در مورد اهمیت ونقش مسجد حائز اهمیت بود که موضوعیت بحث در مورد اهانت بی حد وحصر گروهی موسوم به تکفیری در جهان اسلام است که به صورت افسار گریخته جولان می دهندکه ذکر مصایب آنها ومقابله آنها با اماکن مقدس وبالاخص مساجدضروری است.با توجه به متون اسلامی این مطلب بدست می‌آید که اگر کسی شهادتین گفت وادعای مسلمانی داشت نمی‌توان او را تکفیر کرد در منابع اصلی فریقین روایات زیادی دراین زمینه داریم که دراین روایات تکفیر مورد نکوهش قرار گرفته و از آن منع شده است و حتی دربرخی از روایات تکفیر کننده خود کافر قلمداد شده است. امروزه بزرگ‌ترین عامل تهدیدکننده‌ی کیان امت و مذاهب اسلامی ”تکفیر» است. تکفیر یک پدیده‌ی رو به فزونی است که در صورت عدم کنترل و مهار، امکان رشد می‌یابد. گسترش این پدیده‌ی خطرناک موجب وارد آمدن آسیب هایی بر فطرت انسان ها، آینده‌ی جامعه و امت اسلامی می‌شود و به مرور ابعاد بیش تر و کوبنده‌تری پیدا می‌کند. بنابراین حرمت تکفیر از خاستگاه دین کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است. با وجود این حرمت ضروری است تا ما از ساختارهای رسانه‌ای و دیپلماتیک برای از بین بردن تکفیر بیش ترین استفاده را ببریم. عدم اقدام لازم در این زمینه موجب بازشدن فضا برای گروه‌های تکفیری می‌شود و باز بودن فضای تنفس تکفیری‌ها برای بسیاری از بدخواهان اسلام و مسلمانان خوشایند و مطلوب خواهد بود.البته در برخورد با تکفیری‌ها بایستی رعایت تقوا صورت بگیرد. اگر تکفیر که نسبت دادن بی‌قاعده‌ی کفر به عده‌ای است، اقدامی نادرست است، از آن طرف هم نسبت دادن بی‌قاعده‌ی تکفیری بودن به عده‌ای نادرست است. این‌گونه نباشد که ما نیز هر کسی را که یک قدری رابطه‌اش با ما خوب نبود بگوییم تکفیری است. از این نظر باید دقت کرد که حساب سلفی‌ها را از تکفیری‌ها جدا نمود[[55]](#footnote-55). تکفیر و تکفیری را باید آن‌چنان که هستند و در همان سطح و حدی که قرار دارند معرفی کرد و با آن‌ها به مبارزه پرداخت.

فهرست منابع و مآخذ

-قرآن کریم

- ابن منظور،محمدبن مکرم(1414)، لسان العرب،چ سوم، دارصادر،بیروت، ج3.

- ابن هشام، سيرة النبويه، سيد هاشم رسولى، ج2،تهران، كتابچى، 1375.

- ازهری ابی منصور،محمدبن احمد(1422)،معجم تهذیب اللغه،تحقیق ریاض.زکی قاسم، دارالمعرفه،بیروت. ج2.

- افروغ، عماد،(1382)،چالش های کنونی ایران، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

- البغوی، ابی القاسم بن محمد؛ (1996)مسند ابن الجعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1996.

- الیاده، میرچا. (1372). رساله ای در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

- انیس و دیگران، (1374)، معجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- برومند اعلم،عباس،(1380)،در آمدي بر جايگاه مسجد در تمدن اسلامي،تهران، ستاد اقامه نماز و احیای زكات.

- چیت ساز قمی، احمد (1383) : هویت دینی جوانان در ایران، کتاب مبانی نظری هویت وبحران هویت، مجموعه مقالات، تهران :پوهشکده علوم انسانی واجتماعی جهاد دانشگاهی.

- حاجی بابایی،مجید:اصلانی ملایری،ابراهیم:شعبانی،امامعلی،(1389)مسجد وسیاست در عصر سلجوقی،مطالعات تاریخ اسلام،شماره6.

- حاکم نیشابوری؛ بی تا،المستدرک، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشی، ج1.

- دلاور، علی؛ (1385)مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد، چاپ پنجم.

- راوندی، فضل الله؛ النوادر، قم، دارالکتاب، بی­تا.

- زرکشی،محمدبن عبدالله (1410)،اعلام المساجد باحکام المساجد،دارالکتب المصریه، القاهره. زرکشی.

- سيد رضى، نهج البلاغه، سيد جعفر شهيدى (1378)، تهران، علمى، و فرهنگى، 1378.

- طبرسى؛ ابوالفضل على بن حسن بن فضل،(1385ق) مشکاة الانوار، نجف، کتابخانه حیدریه.

-[عباس زاده فتح آبادی،مهدی](http://www.noormags.com/view/fa/creator/197738)،(1388)،بنیادگرایی اسلامی وخشونت،فصلنامه سیاست،دوره سی ونهم،زمستان 1388،شماره 4.

- عبدالله بن دوحیش،عبداللطیف،مترجمین:شعبانی،احمد، تفقدی جامی،محمود،آینه پژوهش،مهروآبان 1381،شماره29.

- عنایت، حمید(1381): سیری در اندیشه سیاسی اسلام،ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران : خوارزمی.

- فتال نیشابوری، محمد بن حسن؛ بی تا،روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، ج2.

- فراهیدی،خلیل بن احمد،(1410)،کتاب العین، چ دوم، انتشارات هجرت،قم، ج6.

- کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)، (1985)انجمن پخش کتاب مقدس، سفر خروج، باب 3.

- کینگ، وینستون. (1375). دین پژوهی، مقاله دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.

- ورام بن ابی فراس؛بی تا، مجموعه ورام، قم، مکتبة الفقیه، ج2.

- Brereton Joel. (1987).”Sacred Speac. In Mirca Eliade (ed)”. The Encyclopedia Of Reliyion. Vol 12. New York: Macmillan Publishing.

- Encyclopedia of The Quran،بی تا، mosque.

- <http://makhateraltakfir.com/ln/?id=6&ln=fa&maghale=2>.

- Kuper , adam & jessiva(1996);the social science encyclopedia ,London &new York ,routledge.

- Rorty,Richard(1989); contingency ,solidarity &irony ,Cambridge ,Cambridge university press.

1. جن 18. [↑](#footnote-ref-1)
2. اعراف 29. [↑](#footnote-ref-2)
3. [عباس زاده فتح آبادی،مهدی](http://www.noormags.com/view/fa/creator/197738)،(1388)،بنیادگرایی اسلامی وخشونت،فصلنامه سیاست،دوره سی ونهم،زمستان،شماره 4. [↑](#footnote-ref-3)
4. دلاور، علی؛ (1385)مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، رشد، چاپ پنجم،صص45-50. [↑](#footnote-ref-4)
5. برومند اعلم،عباس،(1380)،در آمدي بر جايگاه مسجد در تمدن اسلامي،تهران، ستاد اقامه نماز و احیای زكات،ص30-40. [↑](#footnote-ref-5)
6. انیس و دیگران، (1374)، معجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.ص52. [↑](#footnote-ref-6)
7. کینگ، وینستون. (1375). دین پژوهی، مقاله دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: علمی و فرهنگی. ص82. [↑](#footnote-ref-7)
8. الیاده، میرچا. (1372). رساله ای در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش،ص21. [↑](#footnote-ref-8)
9. کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)، (1985)انجمن پخش کتاب مقدس، سفر خروج، باب 3، آیه 5. [↑](#footnote-ref-9)
10. Brereton Joel. (1987).”Sacred Speac . In Mirca Eliade (ed)”. The Encyclopedia Of Reliyion . Vol 12. New York: Macmillan Publishing ,pp 530-535. [↑](#footnote-ref-10)
11. بررتون،1987،همان، 125-122. [↑](#footnote-ref-11)
12. الیاده، 1372،همان،ص24. [↑](#footnote-ref-12)
13. الیاده، 1372،همان،صص364-365. [↑](#footnote-ref-13)
14. الیاده، 1372،همان،19. [↑](#footnote-ref-14)
15. کینگ،1375،:همان، ص77. [↑](#footnote-ref-15)
16. الیاده،1372،همان،ص 29. [↑](#footnote-ref-16)
17. فراهیدی،خلیل بن احمد،(1410)،کتاب العین، چ دوم، انتشارات هجرت،قم، ج6، ص49. [↑](#footnote-ref-17)
18. ازهری ابی منصور،محمدبن احمد(1422)،معجم تهذیب اللغه،تحقیق ریاض.زکی قاسم، دارالمعرفه،بیروت. ج2، ص114. [↑](#footnote-ref-18)
19. ابن منظور،محمدبن مکرم(1414)، لسان العرب،چ سوم، دارصادر،بیروت، ج3،ص204. [↑](#footnote-ref-19)
20. Encyclopedia of The Quran،بی تا، mosque. [↑](#footnote-ref-20)
21. زرکشی،محمدبن عبدالله (1410)،اعلام المساجد باحکام المساجد،دارالکتب المصریه، القاهره. زرکشی،ص27. [↑](#footnote-ref-21)
22. افروغ، عماد،(1382)،چالش های کنونی ایران، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.ص84. [↑](#footnote-ref-22)
23. عنایت، حمید(1381): سیری در اندیشه سیاسی اسلام،ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران : خوارزمی .ص34. [↑](#footnote-ref-23)
24. Kuper , adam & jessiva(1996);the social science encyclopedia ,London &new York ,routledge.p789. [↑](#footnote-ref-24)
25. Rorty,Richard(1989); contingency ,solidarity &irony ,Cambridge ,Cambridge university press.p73. [↑](#footnote-ref-25)
26. چیت ساز قمی، احمد (1383) : هویت دینی جوانان در ایران، کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت، مجموعه مقالات، تهران :پوهشکده علوم انسانی واجتماعی جهاد دانشگاهی،ص194. [↑](#footnote-ref-26)
27. سوره بقره، آیه143. [↑](#footnote-ref-27)
28. همان. [↑](#footnote-ref-28)
29. سوره آل عمران، آیه104. [↑](#footnote-ref-29)
30. سوره مائده، آیه2. [↑](#footnote-ref-30)
31. همان. [↑](#footnote-ref-31)
32. سوره حشر، آیه9. [↑](#footnote-ref-32)
33. سوره حجرات، آیه12. [↑](#footnote-ref-33)
34. همان. [↑](#footnote-ref-34)
35. سوره نور، آیه51. [↑](#footnote-ref-35)
36. سوره بقره، آیه 178. [↑](#footnote-ref-36)
37. سوره فتح، آیه29. [↑](#footnote-ref-37)
38. سوره حجرات، آیه10. [↑](#footnote-ref-38)
39. سوره نساء، آیه29. [↑](#footnote-ref-39)
40. حاکم نیشابوری؛ المستدرک، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشی، بی­تا، ج1، ص093 [↑](#footnote-ref-40)
41. علی بن الجعد ؛ مسند ابن الجعد، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1996، ص102 . [↑](#footnote-ref-41)
42. ورام بن ابی فراس؛ مجموعه ورام، قم، مکتبة الفقیه، بی­تا، ج2، ص239. [↑](#footnote-ref-42)
43. فتال نیشابوری، محمد بن حسن؛ روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی­تا، ج2، ص293. [↑](#footnote-ref-43)
44. راوندی، فضل الله؛ النوادر، قم، دارالکتاب، بی­تا، ص21. [↑](#footnote-ref-44)
45. ابوالفضل علی بن حسن؛ مشکاة الانوار، نجف، کتابخانه حیدریه، 1385ق، ص107. [↑](#footnote-ref-45)
46. ابوالفضل علی بن حسن؛ همان، ص117. [↑](#footnote-ref-46)
47. سيد رضى، نهج البلاغه، سيد جعفر شهيدى (1378)، تهران، علمى، و فرهنگى، 1378، ص 384، كلمه قصار 131. [↑](#footnote-ref-47)
48. ابن هشام، سيرة النبويه، سيد هاشم رسولى، ج2،تهران، كتابچى، 1375،ص 337 . [↑](#footnote-ref-48)
49. حاجی بابایی،مجید:اصلانی ملایری،ابراهیم:شعبانی،امامعلی،(1389)مسجد وسیاست در عصر سلجوقی،مطالعات تاریخ اسلام،شماره6،صص 30-40. [↑](#footnote-ref-49)
50. .عبدالله بن دوحیش،عبداللطیف،مترجمین:شعبانی،احمد، تفقدی جامی،محمود،آینه پژوهش،مهروآبان 1381،شماره76،ص29. [↑](#footnote-ref-50)
51. عبدالله بن دوحیش،عبداللطیف،همان،ص30. [↑](#footnote-ref-51)
52. عبدالله بن دوحیش،عبداللطیف؛همان، صص31-32. [↑](#footnote-ref-52)
53. برومند اعلم، عباس،(1380)،همان،صص 45-48. [↑](#footnote-ref-53)
54. برومند اعلم،عباس،(1380)،همان،صص50-67. [↑](#footnote-ref-54)
55. سایت کنگره<http://makhateraltakfir.com/ln/?id=6&ln=fa&maghale=2> [↑](#footnote-ref-55)